



گفت‌وگویی کوتاه با محمداقرا غفاری چلاوی: فعال محیط زیست و ناجی

حیات وحش منطقه چلاو مازندران

محور گفت‌وگو: حفاظت منطقه چلاو مازندران در دستان بومیان منطقه

بهنام رحمانی

دانشجو کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی، مدیریت و حفاظت تنوع زیستی

Rahmani.behnam@ut.ac.ir

- از چه زمانی کار حفاظت از منطقه چلاو را شروع کردید و چرا اقدام به حفاظت از این منطقه کردید؟

از حدود سال ۱۳۹۲ وارد عرصه حفاظت شدم و یک تیمی متشکل از خانواده‌ها، دوستان و محلی‌ها به نام پویش نجات مرال‌ها تشکیل دادیم. پیشنهاد و دغدغه‌مندی تشکیل گروه از طرف جمعی از دوستان، نزدیکان و با هم‌فکری خودم بود، به دلیل این‌که اجداد ما دامدار بودند و تابستان‌ها، در زمان تعطیلی مدارس، سه ماه تابستان را در منطقه سپری می‌کردیم و غنی بودن تنوع زیستی منطقه را از همان زمان‌ها دیده و درک کرده بودیم. از سال ۱۳۹۰ شاهد بودیم که بعضی از گونه‌ها در حال حذف شدن از چرخه طبیعت بودند و حتی گونه‌های منطقه ما تا مرز نابودی کامل هم رسیده بودند. همه این موارد موجب شدند تا ما این گروه را تشکیل دهیم.

- حضورتان در منطقه در طی سال‌ها به منظور حفاظت به چه صورت بود؟

در سال‌های اول و دوم، فقط در فصل پاییز که فصل گاوبانگی مرال‌ها نیز است در منطقه حضور داشتیم. در این فصل که فصل مستی مرال‌هاست، شکارچی به واسطه نعره‌های مرال نر راحت‌تر می‌تواند اقدام به شکار کند. به همین دلیل با پشتیبانی اداره محیط‌زیست در این فصل در منطقه حضور داشتیم. در سال‌های بعدی سازمان همچنان بر این بود که فقط در فصل پاییز در منطقه حضور داشته باشیم، اما به واسطه علاقه شخصی و تأکیدی که داشتیم، اعلام کردم که توانمندی حضور در منطقه در سایر فصول را نیز دارم و هم‌چنین باور داشتم حضور در منطقه فقط در فصل گاوبانگی به صورت یک حضور نمایشی خواهد بود و شکار ممکن است در بقیه فصل‌ها هم اتفاق بیفتد. متأسفانه پاسگاه‌های محیط‌بانی خارج از محدوده و بعضاً در حاشیه منطقه یا روستاها قرار دارند که این موضوع موجب دیر رسیدن و عدم نظارت کافی در منطقه خواهد شد. بدین ترتیب فراتر از پاسگاه‌ها، به صورت چهارفصل، در سال‌های متوالی در قلب منطقه ماندگار شدم و دوستان و محلی‌ها هم من را در این مدت همراهی می‌کردند. در طول این مدت تمامی هزینه‌های به صورت شخصی بود، به صورتی که

گأهاً درآمد شخصی خود را به صورت مستقیم برای منطقه و حفاظت از آن صرف می‌کردم. در این مسیر سختی‌های زیادی را متحمل شدم و حتی بسیاری از نزدیکان از پشتیبانی و حمایت از من دست کشیدند. اما من با علاقه و پشتکار فراوان در عرصه حفاظت ایستادم.

- آیا با ادامه فعالیت‌های خود، موفق به دریافت طرحی رسمی برای حفاظت از منطقه و همچنین دریافت کمک هزینه شدید؟

از آن جایی که بخشی از چلاو منطقه شکار ممنوع و قسمتی از مراتع آن جز منطقه حفاظت‌شده هراز است، با گذشت حدود ۵ سال از فعالیت‌ها و ماندگاری من در منطقه و همچنین کاهش تعارض در طی این سال‌ها، در قالب NGO (سازمان مردم نهاد) طرح حفاظت تهیه شد و به عنوان قرق‌بان جوامع محلی کار حفاظت را ادامه دادم و بخشی از هزینه‌ها از اتحادیه حفاظت IUCN و بخشی با کمک‌های مردمی پوشش داده شد. تا به امروز به مدت ۵ سال است که به صورت رسمی به من برای حضور در منطقه کمک هزینه پرداخت می‌شود. با این وجود همچنان با هزینه‌های شخصی برای بهبود منطقه اقداماتی را در نظر می‌گیرم.

- در این سال‌ها بزرگ‌ترین چالش‌ها و مشکلاتی که وجود داشت چه بوده‌است؟

بیشترین و بزرگ‌ترین چالش برای منطقه در طی سال‌ها را می‌توان هزینه‌های مالی در نظر داشت. به دلیل این که با نبود امکانات مالی و تسهیلات کافی توان مقابله با سایر چالش‌های پیش رو را نخواهیم داشت. بخش دیگری از چالش‌های منطقه مربوط به تهدیدهای انسانی است. بارها و بارها توسط شکارچی‌ها تهدید به مرگ شده‌ام و چندین بار با اسلحه‌کشی مواجه شدم و توسط یک شکارچی به سمت تیراندازی نیز شده‌ام. حتی برای تهدید و بیرون راندن من از منطقه، در زمستان سال ۱۳۹۹، کلبه‌ای را که برای اقامت در منطقه ساخته بودم، به همراه وسایلم، به آتش کشیدند. با پشتکار و کمک دوستان و هزینه‌های شخصی کلبه‌ی دیگری ساختم تا همچنان بتوانم در منطقه حضور داشته باشم.

در حال حاضر شاید بتوان این منطقه را تنها منطقه‌ای در نظر داشت که مردم شهرستان آمل و روستاییان از بهبود وضعیت و تبدیل شدن آن به یک منطقه امن آگاه هستند. حضور و جمعیت گونه‌های شاخص مد نظر اعم از مرال، شوکا، پلنگ و خرس بهتر و بیشتر شده است به گونه‌ای که مردم محلی به غنی بودن منطقه خود افتخار می‌کنند.

- بهترین رکوردهایی که در منطقه داشته‌اید چه گونه‌هایی بوده‌اند؟

اکثر گونه‌هایی که در منطقه بوده اعم از پلنگ، خرس، شوکا، مرال و ... را ثبت کرده‌ام. جدا از ثبت گونه‌ها با دوربین تله‌ای، با دوربین شخصی نیز رکورد و ثبت دستی از قرقاول و کبک دری و همچنین کل و بز داشته‌ام. بیشترین ثبت من به مرال، خرس و شوکا مربوط می‌شود.

- به نظر شما چطور می‌توان چالش‌ها و مشکلات منطقه را برطرف کرد؟

بیشترین و اصلی‌ترین کمکی که می‌تواند در کاهش چالش‌های منطقه، دغدغه‌مند و علاقه‌مند کردن مردم به موضوع حفاظت موثر باشد، آموزش است. امروزه واقعاً نیاز است تا تمامی مردم به صورت یکپارچه با مفاهیم تعارض و حفاظت آشنا شوند و آموزش ببینند. البته ممکن است بسیاری از مردم به صورت شخصی و فردی به مسائل و چالش‌های محیط زیست و حیات وحش علاقه‌مند باشند، اما اگر بخواهیم عموم

مردم در بحث حفاظت وارد و آگاه شوند، قطعاً آموزش پیوسته از سطوح تحصیلی پایه مانند دبستان تا مقاطع بالاتر و همچنین در رسانه‌های ملی نقش بسیار مهمی را در تغییر نگرش انسان نسبت به حفظ محیط زیست ایفا می‌کند. تنها با آموزش و آگاهی‌رسانی می‌توان بخش زیادی از چالش‌ها را برطرف کرد.

البته از دید بنده و براساس تجارب به‌دست آورده طی این مسیر، به این نتیجه رسیده‌ام که تغییر حقیقی زمانی رخ می‌دهد که اقدامات مناسب در کنار آموزش مناسب انجام شوند و همگی تحت نظارت قوانین و جریمه‌های اصولی و درست صورت پذیرد. با وجود تمامی چالش‌های پیش رو، برای حفاظت از این منطقه غنی تلاش خود را ادامه می‌دهم.

- در پایان این گفت‌وگو چه عاملی را مهم‌ترین علت و هدف برای حفاظت از این منطقه در نظر دارید؟

حدود یک دهه از جوانی و زندگی خودم را برای حفاظت از منطقه گذاشته‌ام و در طی این مدت هدف من پشتیبانی از سازمان نبوده است. از ابتدای ورودم به منطقه فقط به ندای درونم گوش سپردم، این که من بومی منطقه هستم و نیاکان من سال‌های طولانی در منطقه به کشاورزی و دامداری مشغول بودند. آن‌ها همگی با جان خود از این منطقه حفاظت کردند و آن را به ما امانت سپردند. احساس می‌کنم اکنون باید این امانت، این طبیعت، که از آنان برای من به جا مانده‌است را حفظ کنم. شاید رسالت من این است که خودم را فدا کنم اما طبیعت منطقه را حفظ کنم.